

جایگزین های سنتی و صنعتی شیر خشک

هفته گذشته در حالی که مادست به دامان دلار شده بودیم که بالاتر نرود و از سوی دیگر گروه یادی از شهروندان پیگیر رجیستری آیفون ۱۴ خود بودند، سازمان غذا و دارو اعلام کرد از ۲۰ مهر عرضه شیر خشک عادی در داروخانه ها با ثبت کد ملی و تاریخ تولد نوزاد انجام خواهد شد و همه شیر خشک ها در سامانه ثبت می شوند. با توجه به اینکه هر وقت سامانه ای برای ثبت چیزی راه افتاده، نه تنها آن چیز سامان نیافته که صد تا در بی سامان دیگر هم سرمان آمده، به بالا و پایین این خبر می پردازیم.

شیر خشک بان

البته برای اینکه منفی بافی نکرده باشیم، چند راهکار هم ارائه می دهیم. اول اینکه اگر سیستم قطع بود یا داروخانه شیر خشک نداشت یا بچه بیش از سهمش شیر می خواست و... نوزاد را بنیم زیر بغل و ببریمش سازمان غذا و دارو تا خودش آن ساکتش کنند. راه دیگرش این است که بچه را زودتر از شیر بگیریم. برای خودش هم بهتر است. البته راحت تر این است که هوای مادر بچه را داشته باشیم تا شیرش خشک نشود که مجبور شویم دنبال شیر خشک راه بیفتیم.

ولی افتاد مشکل ها

البته که هر کار مثبتی مشکلاتی هم به همراه دارد. مثلاً در این مورد، اگر طبق معمول سیستم قطع باشد، یا خریدار تاریخ تولد بچه را نداند یا کد یک نوزاد دیگر را بدهد یا بچه پرخور باشد و سهمیه شیر خشکش شکمش را سیر نکند یا بعد از اینکه پدر از داروخانه بیرون آمد دزد قوطی شیر خشک را بزند یا یک عده کلاهبردار سامانه راهک کنند یا عده ای دیگر سامانه فروش کد ملی جعلی راه بیندازند یا... ای بابا! چقدر مشکل پیدا شد! بی خیال!

کارت های برنده

گفته شده است این اقدام برای جلوگیری از قاچاق شیر خشک و نظارت بر زنجیره توزیع انجام می شود. همان طور که قرار شد کارتی کردن سوخت برای جلوگیری از قاچاق آن باشد و نان را هم کارتی کردند تا بر زنجیره فروش نظارت داشته باشند. دلیل بسیار نیکویی است. چون خیلی از آن کارت های قبل نتیجه گرفتند، تصمیم گرفته اند این یکی را هم کارتی کنند. فقط امیدواریم در این روند کارتی کردن هر چیزی، آن قدر زیاده روی نشود که کیف و جیب و کشو و کمدمان دیگر جابرای کارت جدید نداشته باشد.

جایگزین سنتی و صنعتی

با این حال، اگر اوضاع خیلی خراب بود، می توان به جای شیر خشک، مشابهش را تهیه کرد. مثلاً به بچه شیر تر بدهیم یا حتی می توان از جایگزین های طبیعی مثل دوغ (چند حبه قند درون بطری بیندازید تا شوری اش گرفته شود)، آب کله پاچه (که خیلی مقوی است، مخصوصاً با دارچین و سیر ترشی) یا آب شیر (آن محله هایی که رنگ آب لوله کشی شان شیرینی رنگ است) بدهیم. اگر هم بچه نخورد و بدقلقی کرد، تحویلش نگیرید. گرسنه که شد می خورد!



کارتون: محمدعلی رحیمی

صفحه ۴
۲۲ مهر ۱۴۰۲
شماره ۸۳

بوووووق!



فرهنگ شهروندی

مآله چارانی

آن دو کمپوت آناناس را که سهیل از یکی از اتاق های بغل کش رفته بود و برایم آورده بود زود نخورده بودم! قوطی کمپوت را گوشه ای انداختم و دراز کشیدم و چشم هایم را روی هم گذاشتم. همه چیز خوب بود و شمار گوسفند ها داشت از دستم در می رفت تا به خواب بروم که ناگهان با صدای بلند، کش دار طولانی از خواب پریدم.

صدای بوق پی در پی یک ماشین بود که به نظر

سردرد شدیدی داشتم و با وجود خستگی، اصلاً خوابم نمی برد. چند دقیقه پیش خانم پرستار جهت سرکشی آمد و چون عاشقم شده بود، چند دارو داخل سرم تزریق کرد تا درد کمتری بکشم اما داروها هنوز روی بدنم اثر نکرده بودند و طول می کشید تا خوابم ببرد. کمپوت هلمو را باز کردم و چند تایی از آن خوردم تا مزه دهانم قبل از خواب شیرین شود و خواب های طلایی ببینم. حیف! کاش

می آمد مینی بوس بنز مدل ۶۷ بدون معاینه فنی باشد. مشخص بود دست راننده و فرمان ماشین با یکدیگر وارد رابطه شده اند چون اصلاً از هم جدا نمی شدند.

سردردم بیشتر و بیشتر شد. خشمم هم با سختی از جابر خاستم و به کنار پنجره رفتم تا این مردم آزار غار نشین را ببینم و برای افسری که به او گواهی نامه داده بود دعا کنم. اه! حدسم اشتباه بود. مینی بوس بنز مدل ۶۸ بود که معاینه فنی هم داشت. به خودم